

تدوین مدل مفهومی هیامداری براساس آموزه‌های اسلامی

اصغر یوسف‌زاده وفائی^۱، جعفر گل‌محمدی^۲، مسعود نورعلیزاده^۳، وحید واحدجوان^۴

چکیده

هدف: هدف از پژوهش حاضر، تدوین مدل مفهومی هیامداری براساس آموزه‌های اسلامی است تا سازوکارها، مؤلفه‌ها و پیامدهای آن شناسایی و چارچوبی کاربردی برای ترویج حیا و پیشگیری از بی‌حیایی ارائه شود.

روش: این تحقیق ماهیت کیفی دارد و از نوع تحلیل محتوا با رویکرد داده‌بنیاد و در چارچوب «روش مدل‌یابی مفهومی از متون اسلامی» انجام شد. برای این منظور، متون قرآنی و حدیثی مورد واکاوی قرار گرفت و گزاره‌هایی که شامل واژه «حیا» یا مشتقات آن بودند، استخراج شدند. مراحل مدل‌یابی شامل کدگذاری‌های باز، محوری و انتخابی بود و در نهایت ۹ سازه اصلی و ۶۲ مؤلفه استخراج گردید.

یافته‌ها: مدل مفهومی هیامداری پیرامون پدیده مرکزی هیامداری در قالب هشت بعد ارائه شد: (الف) شرایط علی شامل خاستگاه و عوامل سبب‌ساز، (ب) راهبردهای هیامداری، (پ) شرایط مداخله‌ای شامل زمینه‌سازها، تسهیل‌کننده‌ها و تشدیدکننده‌ها، (ت) شرایط مداخله‌ای شامل موانع و تضعیف‌کننده‌ها، (ث) بسترها و مواضع ضرورت حیا، (ج) مواضع ضرورت عدم حیا، (چ) پیامدهای مثبت هیامداری و (ح) پیامدهای بی‌حیایی. برای سنجش اعتبار و قابلیت اطمینان مؤلفه‌ها، از روش دلفی استفاده شد و نظرات هفت متخصص حوزه اخلاق و تربیت دریافت گردید. شاخص روایی محتوایی (CVI) در حد بسیار خوب گزارش شد.

نتیجه‌گیری: نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که مدل مفهومی هیامداری دارای قابلیت کاربردی بالا برای هدایت برنامه‌های فرهنگی، تربیتی، آموزشی، رسانه‌ای و حاکمیتی است. این مدل می‌تواند در پیشگیری و مقابله با تهاجم فرهنگی، ارتقای زیست عقیقانه و ترویج رفتارهای هیامدارانه مورد استفاده قرار گیرد و چارچوبی جامع برای سیاست‌گذاری و طراحی مداخلات اخلاقی ارائه کند.

واژگان کلیدی: حیا، هیامداری، آموزه‌های اسلامی، مدل مفهومی، اخلاق و تربیت

نوع مقاله: پژوهشی تاریخ ارسال: ۱۴۰۳/۸/۲۱ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۹/۲۸ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۰/۲
۱. دانشجوی دوره دکتری مدرسی معارف (گرایش اخلاق اسلامی)، دانشکده معارف و اندیشه اسلامی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

Email: a.yousefzade@ut.ac.ir id: 0009-0004-8041-9764

۲. استادیار، گروه معارف اسلامی، دانشکده معارف و اندیشه اسلامی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

Email: gmohamad@ut.ac.ir id: 0000-0002-9595-6990

۳. استادیار گروه روانشناسی، دانشگاه شاهد، تهران، ایران.

Email: mnoor57@gmail.com id: 0000-0001-9078-2197

۴. استادیار گروه معارف اسلامی، دانشکده معارف و اندیشه اسلامی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

Email: vahedjavan@ut.ac.ir id: 0000-0003-1443-1007

Compilation of the conceptual model of modesty based on Islamic teachings

Objective:

This study aimed to develop a conceptual model of modesty based on Islamic teachings, identifying its components, mechanisms, and outcomes, and providing a practical framework for promoting modest behavior and preventing immodesty.

Method:

A qualitative approach using content analysis with a grounded theory framework was employed, within the method of conceptual modeling of Islamic texts. Qur'anic and Hadith passages containing the term *modesty* or its derivatives were analyzed. The coding process included open, axial, and selective stages, resulting in nine main constructs and 62 components.

Findings:

The conceptual model of modesty is organized around eight dimensions: (a) causal conditions (origins and contributing factors), (b) strategies for practicing modesty, (c) intervening conditions (facilitators and enhancers), (d) inhibiting conditions (obstacles and weakening factors), (e) contexts requiring modesty, (f) contexts permitting or requiring the absence of modesty, (g) positive outcomes of modest behavior, and (h) consequences of immodesty. The Delphi method was applied to assess validity and reliability, with feedback from seven experts in ethics and education. The content validity index (CVI) was rated very good.

Conclusion:

The findings suggest that the conceptual model of modesty is highly applicable for guiding cultural, educational, media, and governance initiatives. It can be used to prevent cultural erosion, promote ethical and modest lifestyles, and provide a comprehensive framework for policy-making and designing educational and ethical interventions.

Keywords:

modesty; Hayam-dari; Islamic teachings; conceptual model; ethics and education; ethical behavior

۱. مقدمه

حیامداری یکی از فضیلت‌های اخلاقی و رفتاری است که در متون اسلامی تأکید ویژه‌ای بر آن شده است؛ به‌طوری‌که در برخی از احادیث، «دین» با «حیا» همسان معرفی شده و اساساً دینداری بدون حیامداری امکان‌پذیر نیست. همان‌طور که در حدیثی از امام صادق(ع) آمده است: «ایمان ندارد، آن که حیا ندارد» (کلینی، ۱۴۰۷، ص ۱۰۶). همچنین در حدیثی از امیرالمؤمنین(علی(ع)، از حیا به‌عنوان «کلید هر خوبی» یاد شده است (الآمدی التمیمی، ۱۴۱۰، ص ۳۰).

حیا، سجه‌ای نیکو و اخلاقی پسندیده است که هنگام تابش نور عقل برانگیخته می‌شود و انسان را از انجام اعمال زشت و نادرست باز می‌دارد. این حالت، نتیجه تألم خاطر از مذمت و رسوایی نزد دیگران است، هنگامی که فرد قصد انجام عمل ناپسند داشته باشد (فیض کاشانی، ۱۴۱۷، ص ۱۸۷). بر این اساس، مراد ما از واژه «حیامداری» در این پژوهش، رفتار برخاسته از حیا و مبتنی بر آن است؛ یعنی انسان در موقعیت‌های مختلف، به‌گونه‌ای انتخاب و رفتار کند که کردار او متصف به صفت اخلاقی حیا باشد.

هرچند در کاربست عرفی، برخی افراد «حیا» و «عفت» را یکسان دانسته و به جای یکدیگر به کار می‌برند، اما دامنه مفهومی حیا بسیار فراتر از عفاف است. حتی گستره آن بسیار بیش از پوشش و حجاب است که برخی افراد عفاف و حیا را صرفاً به آن محدود می‌کنند؛ در حالی که پوشش و حجاب تنها یکی از مصادیق حیا و عفاف محسوب می‌شود. از همین رو، خالی از لطف نیست که نگاهی کوتاه به مسئله حجاب و پوشش، به‌عنوان یکی از مصادیق روشن حیامداری داشته باشیم.

پوشش، به‌عنوان یکی از مهم‌ترین نمودهای حجب و حیا، همواره از دوران باستان مورد تأکید ادیان و جوامع گوناگون بوده است. به گفته تاریخ‌نگاران، حجاب زنان یهودی، به‌عنوان وسیله‌ای برای حفظ حیای آنان، بسیار سنگین و مورد تأکید بوده است (عبدالرسول، بی‌تا، ص ۴۰). شهید مطهری (بی‌تا، ص ۲۰) معتقد است حجابی که در دین یهود مرسوم بوده، به‌مراتب سخت‌گیرانه‌تر از حجابی است که در اسلام سفارش شده است. مسیحیت نیز نه‌تنها احکام شریعت یهود در مورد حجاب را تغییر نداد، بلکه قوانین سخت‌گیرانه آن را استمرار بخشید (معین‌الاسلام، ۱۳۸۶، ص ۱۹).

در کتاب انجیل، برای بیان لزوم التزام زنان به حیا و پرهیز از جلوه‌گری ظاهری آمده است: «زنان خویشان را بیارایند به لباسی مزین به حیا و پرهیز؛ نه به زلف‌ها و طلا و مروارید و جامه‌های گران‌بها» (انجیل، رساله اول پولس رسول به تیموناس، باب دوم، فقره ۹ - ۱۵).

پژوهش‌ها نشان می‌دهد زنان در ایران باستان، از دوره مادها - که نخستین ساکنان ایران زمین بودند - دارای حجابی کامل شامل پیراهن بلند چین‌دار، شلوار تا مچ پا و چادر یا شنلی بلند بر روی لباس بوده‌اند (ضیاءپور، ۱۳۴۳، ص ۱۷/۲۶). حیامداری و حجاب زنان ایران باستان چنان چشم‌گیر بوده است که برخی اندیشمندان و تمدن‌پژوهان، ایران را منبع اصلی ترویج حجاب در جهان دانسته‌اند (دورانت، ۱۳۳۷، ج ۲، ص ۷۸). بنابراین، حجاب و پوشش به‌عنوان یکی از مصادیق مهم حیامداری، پیشینه‌ای به قدمت آغاز حیات بشری دارد.

با آشنایی جوامع اسلامی با مدرنیته و جهانی‌شدن اقتصاد، سیاست، ارتباطات و فرهنگ، به‌تدریج نظام تربیتی سنتی - که بر پایه تربیت اعضای جامعه توسط خانواده، مکتب، مدرسه و نهاد دین استوار بود - کمرنگ شد. در سال‌های اخیر نیز تلاش‌های بسیاری از سوی امپراتوری رسانه‌ای غرب صورت گرفته است تا مسلمانان را از ارزش‌ها، باورها و فرهنگ اصیل خویش تهی ساخته و آنان را از فضیلت‌هایی همچون پاکدامنی، حیامداری، عفت، ایثار و شهادت دور کنند.

اکنون دغدغه اساسی والدین، متولیان فرهنگی، مصلحان و خیرخواهان اجتماعی، متدینان و مدیران دلسوز این است که چگونه در این شرایط، نسل جوان و جامعه اسلامی را از غرق‌شدن در ناهنجاری‌های اخلاقی و لجام‌گسیختگی بی‌حیایی نجات دهند. شاید به نظر برخی افراد، دوران کاربست مفاهیمی همچون «حیا» پایان یافته و باید همسو با موج بی‌حیایی حرکت کرد و در برابر آنچه رخ می‌دهد تسلیم شد؛ اما می‌توان با احیای روح حیامداری، به‌مثابه نیروی اخلاقی و تعالی‌بخش، جامعه را به‌سوی تقوا رهنمون ساخت.

به نظر می‌رسد حیامداری می‌تواند به‌عنوان عاملی فعال و بنیادین، نقشی کلیدی در تربیت انسان‌های وارسته و رفتارهای شایسته ایفا کند؛ زیرا حیامداری امری فطری است. چنان‌که صدرالم‌تألهین در تعریف حیا می‌فرماید: «أَلْحَيَاءُ غَرِيزَةٌ إِنْسَانِيَّةٌ»؛ حیا

غریزه‌های انسانی و از مختصات وجودی بشر است (ملاصدرا، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۲۲۱). گرچه گردوغبار زمان و حوادث روزگار ممکن است آن را کمرنگ کند، اما نمی‌تواند ریشه آن را از نهاد انسان برکند.

برای تحقق این رسالت بزرگ، به مدل‌ها، الگوها و برنامه‌های روزآمد هیامداری نیاز است. باید هیامداری در قالب مدلی مفهومی بازتعریف گردد و سپس سایر برنامه‌های اجرایی برای ترویج و نهادینه‌سازی آن، بر این مبنا طراحی شود.

هرچند مطالعاتی درباره حیا انجام شده، اما نتایج آنها در قالب چارچوبی منسجم و نظام‌مند که مؤلفه‌های مختلف هیامداری را یکپارچه کند، ارائه نشده است. در برخی نگاشته‌ها - به‌ویژه با رویکردهای علمی - مفهوم حیا با «شرم» درآمیخته که این خود یکی از آسیب‌های مطالعات این حوزه به شمار می‌رود. به‌عنوان نمونه، فیل هاجینسون در کتاب «شرم و فلسفه: بررسی در فلسفه احساسات و اخلاق» به موضوع شرم پرداخته است. هرچند این کتاب اثری ارزشمند و نسبتاً جامع است، اما نویسنده شرم را همسان با حیا دانسته؛ در حالی که مفهوم شرم متمایز از حیاست و نمی‌تواند ابعاد کنشگرانه حیا، همچون هیامداری مبتنی بر ایمان، اراده آزاد و خویش‌داری را دربرگیرد.

پسندیده (۱۳۸۳)، افشار (۱۳۹۱) و هدایتی (۱۳۸۲) کوشیده‌اند با بهره‌گیری از قرآن و منابع حدیثی، مباحثی گسترده درباره حیا عرضه کنند و آن را به‌عنوان یک فرهنگ و فضیلت اخلاقی معرفی نمایند، اما به ارائه مدل هیامداری نپرداخته‌اند. ملکی سهل‌آبادی (۱۳۹۴) نیز با تکیه بر فطری‌بودن حیا، به گستره آن در ادیان پرداخته و ابعاد و مراتب آن را بازکاوی کرده است، اما نگاه او جامع و مفهومی نبوده است. خادم‌پیر (۱۳۹۴) با وجود تلاش برای بررسی خاستگاه حیا، به دلیل مترادف‌انگاری «شرم» و «حیا» دچار خلط مباحث شده است. اسدیان (۱۳۹۴) نیز با بررسی تطبیقی میان حیا و شرم، مدلی ابتدایی و جامعه‌شناختی از حیا ارائه کرده که بسیار بسیط است. جوکار (۱۳۹۲) نیز که به‌دنبال الگوی تقویت حیا در سبک زندگی اسلامی بوده، نتیجه گرفته است که تقویت حیا به‌عنوان زیربنای عفاف و حجاب نیازمند دو رکن است: نخست تربیت صحیح جنسی فرزندان در خانواده و دوم رعایت حریم‌ها در جامعه و توجه به توصیه‌های دینی.

بنابراین، ضرورت دارد به تدوین و ارائه مدل مفهومی هیامداری پرداخته شود. هدف این پژوهش نیز استخراج ابعاد و مؤلفه‌های حیا و ارائه مدل مفهومی جامع هیامداری، براساس تحلیل متون اسلامی، اخلاقی و تربیتی است.

2. روش تحقیق

این تحقیق از لحاظ هدف «بنیادی» و از نظر رویکرد و ماهیت داده‌ها «کیفی» است و براساس تجزیه و تحلیل داده‌ها، از نوع «تحلیل محتوای متن» با رویکرد «نظریه داده‌بنیاد» استراوس و کوربین به شمار می‌آید. برای تحلیل داده‌های اولیه گردآوری‌شده، از تکنیک «کدگذاری کیفی» استفاده شده است. در این روش، ابتدا کدهای مناسب به بخش‌های مختلف داده‌ها اختصاص داده می‌شود. این کدها در قالب «مفهوم» تعیین می‌گردند که به آن «کدگذاری باز» گفته می‌شود. در ادامه، پژوهشگر با تأمل در ابعاد مختلف این مقوله‌ها و یافتن ارتباط میان آنها، به «کدگذاری محوری» می‌رسد. سرانجام، با «کدگذاری انتخابی» مقوله‌های مشخص‌شده پالایش شده و در نهایت، پس از انجام این مراحل، مدل و چارچوب نظری ارائه می‌شود (استراوس و کوربین، ۱۳۸۷، ص ۵۸).

با توجه به اینکه این پژوهش براساس تحلیل متون اسلامی انجام گرفته است، از روش «مدل‌یابی مفهومی از متون اسلامی» (نورعلیزاده، ۱۴۰۲) بهره‌گیری شد. چون حیا واژه‌ای دینی به شمار می‌رود و بیشترین توضیحات در مورد آن در متون دینی آمده است، برای کشف مدل هیامداری ناگزیر باید از متون دینی یاری گرفت. از این‌رو، در مرحله نخست، متن قرآن کریم و روایات اهل‌بیت (ع) با کلیدواژه «حیا» مورد بررسی قرار گرفت.

در این مرحله، با استفاده از نرم‌افزارهای «جامع‌التفاسیر» و «جامع‌الاحادیث نور»، همه آیات و روایاتی که در آنها واژه‌هایی با ریشه «حیا» به کار رفته بود استخراج شد و خانواده متون اسلامی تشکیل گردید. علاوه بر آن، تمامی روایات نقل‌شده در دو کتاب «پژوهشی در فرهنگ حیا» و «احیای حیا»، و نیز سایر کتاب‌های اخلاقی که مباحثی در زمینه حیا دربرداشتند، مورد بررسی قرار گرفت.

جمع‌آوری داده‌ها زمانی متوقف شد که مفاهیم به دست‌آمده تکراری شدند و اطلاعات تازه‌ای به دست نمی‌آمد؛ به عبارتی، داده‌ها به مرحله «اشباع نظری» رسیدند. در این مرحله، ایده‌های اولیه دسته‌بندی آیات و روایات شکل گرفت؛ سپس داده‌های اولیه در طی شش مرحله مدل‌یابی مفهومی از متون اسلامی و در فرایند متن‌پژوهی طبقه‌بندی و تحلیل شدند. کدگذاری‌ها طی سه مرحله کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری انتخابی انجام گرفت و مدل براساس رویکرد استراوس و کوربین شکل یافت. برای اطمینان از تطابق یافته‌ها با محتوای متون اسلامی، اعتبار و اتقان آنها بررسی شد. بدین منظور، از روش دلفی و ارزیابی نظرات ۷ متخصص در حوزه اخلاق و تربیت استفاده گردید و شاخص روایی محتوایی (CVI) به کار گرفته شد. براساس این شاخص، هرگاه مقدار آن بیش از ۷۹/۰ باشد، مؤلفه‌ها پذیرفتنی و مورد تأیید به شمار می‌آیند.

3. یافته‌های پژوهش

بر اساس جست‌وجوی انجام‌شده با نرم‌افزار جامع‌التفاسیر، واژه «حیا» و هم‌خانواده‌های آن تنها چهار بار در قرآن کریم به کار رفته است: دو بار در آیه پنجاه‌وسوم سوره احزاب، یک بار در آیه بیست‌وپنجم سوره قصص و یک بار در آیه بیست‌وششم سوره بقره. همچنین، با جست‌وجوی روایات در نرم‌افزار جامع‌الاحادیث، برای واژه «حیا» ۱۲۳۷ مورد، «الحیاء» ۲۰۲۹ مورد، «استحیی» ۳۳ مورد، «یستحیی» ۷۶ مورد و «استحیاء» ۱۴۳ مورد به دست آمد.

البته سایر مشتقات حیا نیز بررسی شدند، اما در نتیجه نهایی تأثیری نداشتند؛ زیرا بسیاری از نتایج جست‌وجو تکراری بود و برخی نیز متن روایت نبودند، بلکه متن‌های تفسیری یا شرح روایی محسوب می‌شدند که از دایره نتایج حذف شدند. بخش زیادی از این نتایج، صرفاً به بیان اهمیت و جایگاه حیا در فرهنگ دینی پرداخته یا روایت‌هایی بودند که تنها به واژه حیا اشاره داشتند و کمکی به طراحی مدل مفهومی حیامداری نمی‌کردند.

پس از پالایش و حذف موارد تکراری و نامرتبط، تعداد کل روایاتی که می‌توانستند در طراحی مدل مفهومی حیامداری مورد استفاده قرار گیرند، حدود ۱۲۰ روایت بود. با انجام فرایند کدگذاری باز، محوری و انتخابی، و پس از استنباط محتوای اساسی از گزاره‌ها، در نهایت مؤلفه‌ها و سازه‌های حیامداری کشف گردید.

جدول مربوط به صورت‌بندی داده‌ها، که شامل گزاره‌های اولیه، محتوای استنباط‌شده، مؤلفه‌ها و سازه‌هاست، در جدول ۱ ارائه شده است:

جدول ۱

گزاره‌ها، محتوای استنباط‌شده، مؤلفه‌ها و سازه‌های حیامداری

گزاره‌های اسلامی (مستندات)	کدگذاری (محتوای استنباط شده)	کدگذاری (مؤلفه‌ها)	محوری	کدگذاری انتخابی (سازه‌ها)
حَيَاءُ الرَّجُلِ مِنْ نَفْسِهِ ثَمَرَةُ الْإِيمَانِ. (الآمدی التمیمی، ۱۴۱۰، ص ۸۹)	حیامداری نتیجه ایمان است	ایمان به خدا		
فَلَمَّا ذَاقَا الشَّجَرَةَ بَدَتْ لَهُمَا سَوَاتُهُمَا وَطَفِقَا يَخْصِفَانِ عَلَيْهِمَا مِنْ وَرَقِ الْجَنَّةِ (اعراف: ۲۲) الْحَيَاءُ عَشْرَةُ أَجْزَاءٍ فَتَسَعُهُ فِي النِّسَاءِ وَوَاحِدَةٌ فِي الرِّجَالِ (شیخ صدوق، ۱۴۱۳، ۴۶۸/۳)	پس از آنکه لباس‌های حضرت آدم و حوا فروفتاد، به دلیل اینکه فطرتاً حیا داشتند، از برگ درختان برای خود ساتر درست کردند. / حیا را خداوند به صورت فطری نه سهم در زنان و یک سهم در مردان آفریده است	فطرت		شرایط علی (خاستگاه و عوامل سبب‌ساز)

		شیطان در خلقت و تکوین انسان شریک می‌شود و او را کم‌حیا می‌کند	عدم بهره شیطان در زمان سرشت
		خداوند حیا را نیز مانند روزی در میان بندگان تقسیم کرده است	روزی و اعطای خداوند
		پیامبر خدا در شب معراج دعا کرده و از خداوند برای مؤمنان حیای مستمر طلب نمود	درخواست پیامبر امت
		از علم حیا منشعب می‌گردد	علم
		از صیانت نفس و مراقبت، حیا منشعب می‌شود	عفاف و صیانت نفس
راهنمادهای حیامداری		به دلیل نزدیکی خداوند به تو از او حیا داشته باش	درک حضور الهی
		اینکه بدانی خداوند به یاد توست موجب خضوع و حیا و تواضع می‌گردد	درک توجه خدا به انسان
		باید از پروردگاری که بر باطن انسان آگاه است و اعمال و نیت او را می‌داند حیا داشت	درک علم خدا به اسرار درونی و آنچه در ناهشیار ما مخفی است
		از اینکه اعمال زشت انسان بر پیامبر عرضه شود باید حیا نمود	درک عرضه اعمال و رفتار بر پیامبر و امام
		از ملائکه کاتبی که همراه انسان هستند باید حیا کرد	درک ناظر بودن ملائکه نسبت به اعمال ما
		کسی که به مساجد رفت و آمد داشته باشد به هشت چیز دست می‌یابد که یکی از آنها حیا است	حضور فعال در مسجد و مکان‌های مقدس
		کسی که از مردم حیا نکند از خدا نیز حیا نخواهد کرد	تمرین تدریجی حیامداری محسوس و فروتر برای حیامداری نامحسوس و برتر

إِنَّ اللَّهَ حَرَّمَ الْجَنَّةَ عَلَى كُلِّ فَحَّاشٍ بَذِيَءٍ قَلِيلٍ الْحَيَاءِ لَا يُبَالِي مَا قَالُوا وَلَا مَا قِيلَ لَهُ فَإِنَّكَ إِنِ فُتِّشْتَهُ لَمْ تَجِدْهُ إِلَّا لَعْنَةً أَوْ شَرِكِ شَيْطَانٍ قِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَ فِي النَّاسِ شَرِكُ شَيْطَانٍ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) أَمَا تَقْرَأُ قَوْلَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ شَارِكُهُمْ فِي الْأَمْوَالِ وَ الْأَوْلَادِ. (حر عاملی، ۱۴۱۶، ۳۵/۱۶)

قَالَ عِيسَى بْنُ مَرْيَمَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ: إِذَا قَعَدَ أَحَدُكُمْ فِي مَنْزِلِهِ فَلْيُرْخِ عَلَيْهِ سِتْرَهُ، فَإِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى قَسَمَ الْحَيَاءَ كَمَا قَسَمَ الرِّزْقَ. (حمیری، ۱۴۱۳، ص ۴۶)

أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ سَأَلَ رَبَّهُ سُبْحَانَهُ لَيْلَةَ الْمِعْرَاجِ فَقَالَ يَا رَبِّ . . . اِمْلَأْ قُلُوبَهُمْ حَيَاءً مِنْكَ حَتَّى يَسْتَحْيُوا مِنْكَ كُلَّ وَقْتٍ. (مجلسی، ۱۴۰۳، ۷۴ / ۲۱)

وَ أَمَّا الْعِلْمُ فَيَنْشَعَبُ مِنْهُ . . . الْحَيَاءُ وَ إِنْ كَانَ صِلَافًا. (حرانی، ۱۴۰۴، ص ۱۶)

فَتَشَعَّبَ . . . مِنَ الْعُقَافِ الصَّيَانَةُ وَ مِنَ الصَّيَانَةِ الْحَيَاءُ. (حرانی، ۱۴۰۴، ص ۱۵)

خَفِيَ اللَّهُ تَعَالَى لِقُدْرَتِهِ عَلَيْكَ وَ اسْتَحْيَ مِنْهُ لِقُرْبِهِ مِنْكَ. (مجلسی، ۱۴۰۳، ۶۸ / ۳۳۶)

وَ مَعْرِفَتِكَ بِذِكْرِهِ لَكَ تَوَرُّثُكَ الْخُضُوعَ وَ الْاسْتِحْيَاءَ وَ الْإِنْكَسَارَ. (منسوب به جعفر بن محمد علیه السلام، ۱۳۶۰، ص ۲۳)

الْمُصَلِّيُ مُنَاجٍ رَبَّهُ فَاسْتَحْيَ مِنَ الْمَطْلَعِ عَلَى سِرِّكَ وَ الْعَالِمِ بِنَجْوَاكَ وَ مَا يُخْفِي ضَمِيرَكَ. (منسوب به جعفر بن محمد علیه السلام، ۱۳۶۰، ص ۱۱۰)

إِنَّ أَعْمَالَ الْعِبَادِ تُعْرَضُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ كُلِّ صَبَاحٍ أَرْبَاعَهَا وَ فَجَارَهَا، فَاحْذَرُوا فَلَيْسَتْحِي أَحَدُكُمْ أَنْ يَعْرِضَ عَلَى نَبِيِّهِ الْعَمَلَ الْقَبِيحَ. (مجلسی، ۱۴۰۳، ۲۳ / ۳۴۰)

إِنَّ اللَّهَ يَنْهَاكُمْ عَنِ التَّعَرَّى؛ فَاسْتَحْيُوا مِنَ الْمَلَائِكَةِ الَّذِينَ مَعَكُمْ الْكَرَامِ الْكَاتِبِينَ. (مجلسی، ۱۴۰۳، ۵۹ / ۲۰۰)

مَنْ اخْتَلَفَ إِلَى الْمَسَاجِدِ أَصَابَ إِحْدَى الثَّمَانِ أَخَا مُسْتَفَادًا فِي اللَّهِ . . . أَوْ حَيَاءً. (ابن بابویه، ۱۳۷۷، ۲ / ۴۰۹)

مَنْ لَمْ يَسْتَحْيَ مِنَ النَّاسِ لَمْ يَسْتَحْيَ مِنَ اللَّهِ سُبْحَانَهُ. (الآمدی التمیمی، ۱۴۱۰، ص ۲۵۷)

	مرگ آگاهی (توجه به امکان سر رسیدن اجل و یاد قبر و پوسیدن در آن)	حیا از خداوند به این است که قبر و پوسیدن را فراموش نکنی	وَ لَكِنَّ الْحَيَاءَ مِنَ اللَّهِ أَنْ لَا تَنْتَسِيَ الْمَقَابِرَ وَ الْبَلَى. (طبرسی، ۱۳۶۵، ص ۴۶۵)
	خودمراقبتی ذهنی و راه‌های ادراکی	اگر کسی بخواهد حق حیا از خدا را به جا آورد باید از افکارش مراقبت نماید	اسْتَحْيُوا مِنَ اللَّهِ حَقَّ الْحَيَاءِ قَالُوا وَ مَا نَفْعُ لِي رَسُولَ اللَّهِ قَالَ فَإِنْ كُنْتُمْ فَاعِلِينَ فَلَا يَبِيتَنَّ أَحَدُكُمْ إِلَّا وَ أَجْلُهُ بَيْنَ عَيْنَيْهِ وَ لِيَحْفَظَ الرَّأْسَ وَ مَا وَعَى. (ابن بابویه، ۱۳۷۷، ۱/ ۲۶۴)
	خودمراقبتی تغذیه‌ای و پرهیز از لقمه حرام	اگر کسی بخواهد حق حیا از خدا را به جا آورد باید از شکم و طعامش مراقبت نماید	اسْتَحْيُوا مِنَ اللَّهِ حَقَّ الْحَيَاءِ قَالُوا وَ مَا نَفْعُ لِي رَسُولَ اللَّهِ قَالَ فَإِنْ كُنْتُمْ فَاعِلِينَ... وَ لِيَحْفَظَ... الْبَطْنَ وَ مَا حَوَى. (ابن بابویه، ۱۳۷۷، ۱/ ۲۶۴)
	تدبر و تعقل	(یکی از نشانه‌های مؤمن این است که) تعقل می‌کند و در سایه تدبر، حیا می‌ورزد	عَقْلٌ فَاسْتَحْيَى. (فیض کاشانی، ۱۴۰۶، ۴/ ۱۵۵)
شرایط مداخله‌ای (زمینه‌ساز، تسهیل‌کننده‌ها و تشدیدکننده‌ها)	حزن و خوف	شدت حیا بستگی به میزان حزن و خوف [ممدوح] دارد [خوف و حزن نسبت به نتایج رفتار غیرحیامدارانه]	قُوَّةُ الْحَيَاءِ مِنَ الْحُزْنِ وَ الْخَوْفِ. (منسوب به جعفر بن محمد علیه السلام، ۱۳۶۰، ص ۴۲۷)
	تواضع و فروتنی	تواضع مزعه‌ای است که حیا در آن رشد می‌کند	التواضع مزرعة الخشوع و الخضوع و الخشية و الحياء و انهم لا تتبين (يبتن) الا منها. (منسوب به جعفر بن محمد علیه السلام، ۱۳۶۰، ص ۲۴۳)
شرایط مداخله‌ای (موانع و تضعیف‌کننده‌ها)	فرومایگی	انسانی که فرومایه است حیا نمی‌ورزد	اللَّيْمُ لَا يَسْتَحْيِي. (الآمدی التمیمی، ۱۴۱۰، ص ۲۶۰)
	بی‌دینی	فرد بی‌دین حیائی هم ندارد	لَا حَيَاءَ لِمَنْ لَا دِينَ لَهُ. (اربلی، ۱۳۸۱، ص ۵۷۱)
	دروغگویی	برای دروغگو حیائی نیست	لَا حَيَاءَ لِكَذَّابٍ. (لثی واسطی، ۱۳۷۶، ص ۵۳۶)
	از میان رفتن پرده قدر و منزلت	برداشتن پرده شکوه و جلال موجب از بین رفتن حیا می‌شود	لَا تُذْهِبُ الْحُشْمَةُ بَيْنَكَ وَ بَيْنَ أَخِيكَ وَ أَبْقِ مِنْهَا فَإِنَّ ذَهَابَهَا ذَهَابُ الْحَيَاءِ. (کلینی، ۱۴۰۷، ۲/ ۶۷۲)
	عدم حفظ عزت نفس و درخواست از مردم	حاجت خواستن از مردم بر باد دادن عزت و بردن حیا است	طَلَبُ الْحَوَائِجِ إِلَى النَّاسِ اسْتِلَابٌ لِلْعِزِّ وَ مَذْهَبَةٌ لِلْحَيَاءِ. (کلینی، ۱۴۰۷، ۲/ ۱۴۸)
	پرحرفی	پرحرفی موجب زیاد شدن خطا و در نتیجه کم شدن حیا می‌شود	مَنْ كَثُرَ كَلَامُهُ كَثُرَ خَطَاؤُهُ وَ مَنْ كَثُرَ خَطَاؤُهُ قَلَّ حَيَاؤُهُ. (حرانی، ۱۴۰۴، ص ۹۹)
	استفاده افراطی از ساز و آواز و موسیقی	هرگاه چهل روز در خانه کسی برت (نوعی ساز) نواخته شود، شیطان بر	مَنْ ضَرَبَ فِي بَيْتِهِ بَرَبْطًا أَرْبَعِينَ صَبَاحًا سَلَّطَ اللَّهُ عَلَيْهِ شَيْطَانًا لَا يُبْقِي عَضْوًا مِنْ أَعْضَائِهِ إِلَّا قَعَدَ عَلَيْهِ فَإِذَا كَانَ

		او مسلط می‌شود و شرم و حیا از او برداشته می‌شود	ذَلِكَ نَزَعَ اللَّهُ مِنْهُ الْحَيَاءَ فَلَمْ يُبَالِ بِمَا قَالَ وَ لَا مَا قِيلَ لَهُ. (ابن حیون، ۱۳۸۵، ۲/۲۰۸)
	شراب‌خواری	شراب عقل‌ها را در فهم حقایق به بیراهه می‌کشد و حیا را از صورت می‌برد	إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى حَرَّمَ الْخَمْرَ لِمَا فِيهَا مِنَ الْفُسَادِ وَ بَطْلَانِ الْعُقُولِ فِي الْحَقَائِقِ وَ ذَهَابِ الْحَيَاءِ مِنَ الْوَجْهِ. (الفقه المنسوب إلى الإمام الرضا عليه السلام، ۱۴۰۶، ص ۲۸۲)
	فقر و نداری	فقر به چهار خصلت مبتلا شود که یکی از آنها کم بودن حیا است	يَا بُنَيَّ مَنْ ابْتُلِيَ بِالْفَقْرِ فَقَدْ ابْتُلِيَ بِأَرْبَعٍ خِصَالٍ بِالضَّعْفِ فِي يَقِينِهِ وَ النُّقْصَانِ فِي عَقْلِهِ وَ الرِّقَّةِ فِي دِينِهِ وَ قِلَّةِ الْحَيَاءِ فِي وَجْهِهِ فَنَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الْفَقْرِ. (شعیری، بی‌تا، ص ۱۱۰)
	فراوانی کارهای زشت	زیاد شدن کارهای زشت سرانجام به کم شدن حیا می‌انجامد	قَدْ كَثُرَ الْقَبِيحُ حَتَّى قَلَّ الْحَيَاءُ مِنْهُ. (لیثی واسطی، ۱۳۷۶، ص ۳۶۶)
پدیده مرکزی حیامداری (ماهیت و چپستی)	ماهیت حیا، توقف در مواجهه با شرک و جهالت	تفسیر حیا، درنگ (توقف) کردن در مواجهه با هر آن چیزی است که مخالف توحید و معرفت باشد	تَفْسِيرُهُ التَّثَبُّتُ عِنْدَ كُلِّ شَيْءٍ يَنْكِرُهُ التَّوْحِيدُ وَ الْمَعْرِفَةُ (منسوب به جعفر بن محمد علیه السلام، ۱۳۶۰، ص ۱۸۹)
	حیامداری ملاک خیر و شر	فرد حیامدار خیر است و انسان بی‌حیا، همه‌اش شر است	صَاحِبُ الْحَيَاءِ خَيْرٌ كُلُّهُ وَ مَنْ حَرَّمَ الْحَيَاءَ فَهُوَ شَرُّ كُلِّهِ (منسوب به جعفر بن محمد علیه السلام، ۱۳۶۰، ص ۴۲۵)
بسترها مواضع ضرورت حیا	به هنگام تفکر غیرخدایی	مؤمن باید وقتی فکری در غیر طاعت خداوند به ذهنش راه یافت، حیا کند	يَنْبَغِي لِلْمُؤْمِنِ أَنْ يَسْتَحْيِيَ إِذَا اتَّصَلَتْ لَهُ فِكْرَةٌ فِي غَيْرِ طَاعَةٍ. (لیثی واسطی، ۱۳۷۶، ص ۵۵۳)
	عمل بر خلاف ایمان	مؤمن، به هنگام عمل خلاف ایمان، حیا می‌کند	إِنَّ الْمُؤْمِنَ يَسْتَحْيِي إِذَا مَضَى لَهُ عَمَلٌ فِي غَيْرِ مَا عُقِدَ عَلَيْهِ إِيْمَانُهُ. (الآمدی التمیمی، ۱۴۱۰، ص ۹۰)
	از آنچه نزد خدا و مردم زشت است	یکی از خصلت‌های موجب کمال اسلام، حیا کردن از کارهایی است که نزد خدا و مردم زشت شمرده می‌شود	أَرْبَعٌ مَنْ كُنَّ فِيهِ كَمَلُ إِسْلَامِهِ... وَ هِيَ... الْحَيَاءُ مِمَّا يَقْبَحُ عِنْدَ اللَّهِ وَ عِنْدَ النَّاسِ. (مجلسی، ۱۴۰۳، ۶۶/۳۸۰)
مواضع ضرورت عدم حیا	موارد حلال	حیا کردن از کار حلال موجب ابتلاء به کار حرام می‌شود	مَا مِنْ عَبْدٍ اسْتَحْيَا مِنَ الْحَلَالِ إِلَّا ابْتَلَاهُ اللَّهُ بِالْحَرَامِ. (پاینده، ۱۳۸۲، ص ۷۱۰)
	ذکر خداوند	ذکر خداوند در هر حالی نیکو است	إِنَّ مُوسَى ع قَالَ يَا رَبِّ تَمَرُّ بِي حَالَاتٌ أَسْتَحْيِي أَنْ أَذْكُرَكَ فِيهَا فَقَالَ يَا مُوسَى ذِكْرِي عَلَى كُلِّ حَالٍ حَسَنٌ. (حر عاملی، ۱۴۱۶، ۱/۳۱۲)
	رفتار حق	مومن نباید حق را بخاطر حیا ترک کند	الْمُؤْمِنُ... لَا يَفْعَلُ شَيْئًا مِنَ الْحَقِّ رِيَاءً وَ لَا يَتْرُكُهُ حَيَاءً. (مجلسی، ۱۴۰۳، ۶۴/۲۹۱)
	انجام کار خیر	کار خیر را بخاطر حیا ترک نکن	لَا تَعْمَلْ شَيْئًا مِنَ الْخَيْرِ رِيَاءً وَ لَا تَتْرُكُهُ حَيَاءً. (لیثی واسطی، ۱۳۷۶، ۵۲۲)

	بیان حق	هر کس از بیان حق حیا کند احمق است	مَنْ اسْتَحْيَى مِنْ قَوْلِ الْحَقِّ فَهُوَ الْأَحْمَقُ. (آقا جمال الدین خوانساری، ۱۳۶۶، ۳۳۹/۵)
پیامدهای مثبت حیامداری	از بین رفتن خطاها	حیا از خدا بسیاری از خطاها را محو می کند	الْحَيَاءُ مِنَ اللَّهِ يَمْحُو كَثِيرًا مِنَ الْخَطَايَا. (آقا جمال الدین خوانساری، ۱۳۶۶، ۳۹۹/۱)
	عفت	عفت میوه حیا است	ثَمَرَةُ الْحَيَاءِ الْعِفَّةُ. (الآمدی التمیمی، ۱۴۱۰، ص ۲۵۷)
	افزایش معرفت و یقین	حیا داشتن از خداوند موجب زیادی یقین می شود	اسْتَحْيَ مِنَ اللَّهِ اسْتِحْيَاكَ مِنْ صَالِحِي جِيرَانِكَ فَإِنَّ فِيهَا زِيَادَةَ الْيَقِينِ. (مجلسی، ۱۴۰۳، ۲۰۰/۷۵)
	محبوب خدا شدن	خداوند انسان های اهل حیا را دوست دارد	فان الله كريم يستحي و يحب اهل الحياء. (فیض کاشانی، ۱۴۱۵، ۲۶۶/۱)
	پوشیده شدن عیوب از مردم	کسی که لباس حیا بپوشد عیوبش از مردم پنهان می گردد	مَنْ كَسَاهُ الْحَيَاءُ ثَوْبَهُ خَفِيَ عَنِ النَّاسِ عَيْبُهُ. (لیثی واسطی، ۱۳۷۶، ص ۴۵۰)
	اصلاح رفتار	ملازمت به حیا در گفتار، موجب دوری از فساد در رفتار می گردد	مَنْ صَحِبَهُ الْحَيَاءُ فِي قَوْلِهِ زَالِيَ الْخَنَى فِي فِعْلِهِ. (الآمدی التمیمی، ۱۴۱۰، ص ۲۵۷)
	حفظ از عذاب	حیا داشتن از خداوند موجب دوری از آتش می شود	الْحَيَاءُ مِنَ اللَّهِ سُبْحَانَهُ وَ تَعَالَى تَقَى [يقى من] عَذَابِ النَّارِ. (الآمدی التمیمی، ۱۴۱۰، ص ۲۵۷)
	متانت و ارزشمندی	از حیا متانت منشعب می شود	فَتَشَعَّبَ مِنَ الْعَقْلِ الْحِلْمُ وَ . . . وَ مِنَ الْحَيَاءِ الرِّزَانَةُ. (حرانی، ۱۴۰۴، ص ۱۵)
	بهبود روابط و سرمایه اجتماعی	صفت حیا موجب امیدواری دیگران به انسان می شود	اذا رأيت من اخيك ثلاث خصالٍ فأرجه: الحياء و الأمانة والصدق و اذا لم ترها فلا ترجمه. (پاینده، ۱۳۸۲، ص ۱۹۳)
	آرامش	سکینه و آرامش از آثار حیا است	ان من الحياء وقارا و ان من الحياء سكينة. (ابن حمید، ۱۴۲۶، ۱۸۰۶/۵)
پیامدهای بی حیایی	کاهش ایمان و دینداری	کم حیائی کفر است	قَلَّةُ الْحَيَاءِ كُفْرٌ. (نوری، ۱۴۰۸، ۴۶۶/۸)
	مجوز بدگویی دیگران از انسان	هر کس بی حیائی کند جایز الغیبه خواهد شد	مَنْ أَلْقَى جِلْبَابَ الْحَيَاءِ فَلَا غَيْبَةَ لَهُ. (طبرسی، ۱۳۷۴، ص ۲۳۴)
	از بین رفتن تقوا و پارسایی	کم حیائی موجب کم تقوایی می شود	مَنْ قَلَّ حَيَاؤُهُ قَلَّ وَرَعُهُ. (مجلسی، ۱۴۰۳، ۲۸۰/۷۴)
	شر رسانی	کسی که حیا نداشته باشد خبری نیز در او نیست	مَنْ لَا حَيَاءَ لَهُ فَلَا خَيْرَ فِيهِ. (الآمدی التمیمی، ۱۴۱۰، ص ۲۵۷)

از بین رفتن ارزشمندی وجودی	کسی که حیا ندارد مرگش بهتر از زنده بودنش است	مَنْ لَمْ يَكُنْ لَهُ سَخَاءٌ وَلَا حَيَاءٌ فَلَمَوْتُ خَيْرٌ لَهُ مِنَ الْحَيَاءِ. (الآمدی التمیمی، ۱۴۱۰، ص ۲۵۷)
تنزل جایگاه انسانی	اگر از مردم حیا نمی‌کنی خودت را در شمار حیوانات به حساب بیاور	فَإِنْ كُنْتَ لَا مِمَّنْ فِي السَّمَاءِ تَخَافُ وَلَا مِمَّنْ فِي الْأَرْضِ تَسْتَجِي فَعُدَّ نَفْسَكَ فِي الْبَهَائِمِ. (نوری، ۱۴۰۸، ۲۱۳/۱۱)
از دست رفتن جایگاه اجتماعی	اگر حیا از انسان گرفته شود مورد غضب دیگران واقع می‌شود	أَوَّلُ مَا يُنْزَعُ مِنَ الْعَبْدِ الْحَيَاءُ فَيَصِيرُ مَاقَتًا مُمَقَّتًا. (همان، ۱۷۲/۱۲)
بطلان اعمال نیک	یکی از اسباب حبط اعمال انسان کم‌حیائی است	سَتُّهُ أَشْيَاءُ تُحْبِطُ الْأَعْمَالُ: الْإِسْتِغَالُ بِعُيُوبِ الْخَلْقِ وَ قَسْوَةُ الْقَلْبِ وَحُبُّ الدُّنْيَا وَقِلَّةُ الْحَيَاءِ وَ طُولُ الْأَمَلِ وَ ظُلْمُ لَا يَنْتَهِي. (پاینده، ۱۳۸۲، ص ۵۲۳)
کوتاهی در برابر والدین	اگر حیا نبود، برخی از مردم حق پدر و مادر را رعایت نمی‌کردند	إِنَّ مِنَ النَّاسِ لَوْلَا الْحَيَاءُ لَمْ يَرْعَ حَقَّ وَالِدَيْهِ. (حکیمی، ۱۳۸۰، ۶۳۷/۱)
قطع روابط خویشاوندی	اگر حیا نبود، برخی از مردم صله‌رحم نمی‌کردند	إِنَّ مِنَ النَّاسِ لَوْلَا الْحَيَاءُ ... وَ لَمْ يَصِلْ ذَارِحِمِ. (حکیمی، ۱۳۸۰، ۶۳۷/۱)
خیانت در امانت	اگر حیا نبود، برخی از مردم ادای امانت نمی‌کردند	إِنَّ مِنَ النَّاسِ لَوْلَا الْحَيَاءُ ... وَ لَمْ يُوَدَّ أَمَانَةً. (حکیمی، ۱۳۸۰، ۶۳۷/۱)
بی‌عفتی و فحشا	اگر حیا نبود، برخی از مردم از هیچ بی‌عفتی روگردان نبودند	إِنَّ مِنَ النَّاسِ لَوْلَا الْحَيَاءُ ... وَ لَمْ يَعْفَ عَنْ فَاحِشَةٍ. (حکیمی، ۱۳۸۰، ۶۳۷/۱)

در بخش اعتبارسنجی یافته‌ها، از تعداد هشت نفر از متخصصان حوزه اخلاق و تربیت خواسته شد که در قالب یک فرم نظرات خویش را نسبت به یافته‌های پژوهش اعلام نمایند. از آنان خواسته شد تا تحت یک لیکرت چهار درجه‌ای از بسیار کم تا خیلی زیاد، میزان مطابقت هر مؤلفه با گزاره‌های مربوطه و مستندات را بیان نمایند. در این قسمت، همه شاخص‌ها و مؤلفه‌ها بالاتر از ۰/۸۶ را کسب کردند. با توجه به این که میزان شاخص روایی محتوا (CVI) کل ۰/۹۸ یعنی نمره عالی و در تمامی مؤلفه‌ها بالاتر از ۰/۸۶ و در حد خوب و مطلوبی مورد تأیید می‌باشد، این شاخص نشان می‌دهد که مؤلفه‌های استخراج شده بیشترین ارتباط را با توجه به مستندات اسلامی دارند. نتایج مربوط به نمرات این بخش، در جدول شماره ۲ آمده است:

جدول ۲

نتایج روایی‌سنجی (CVI) مؤلفه‌ها

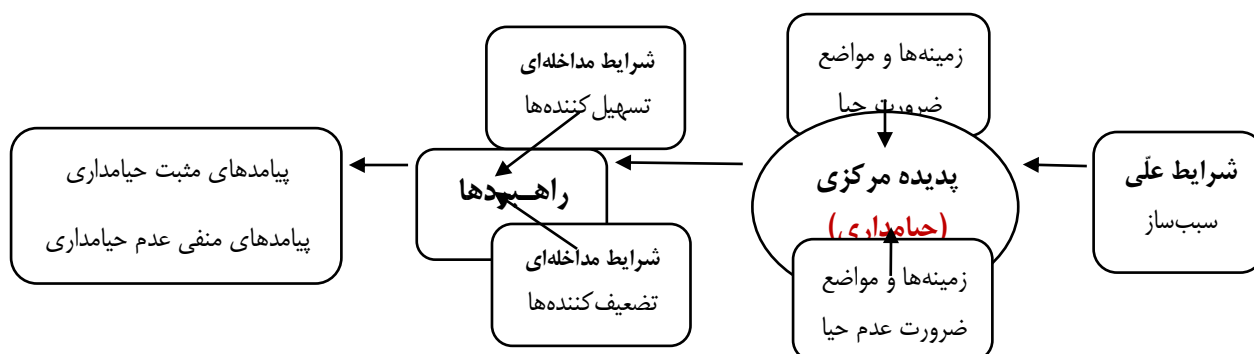
سازه	مؤلفه‌ها	CVI میزان مطابقت هر مؤلفه با مستندات
شرایط علی (خاستگاه و عوامل سبب‌ساز)	ایمان به خدا	۱
	فطرت	۱
	عدم بهره شیطان در زمان سرشت	۱
	روزی و اعطای خداوند	۱

درخواست پیامبر امت	۰/۸۶	راهبردهای هیامداری
علم	۰/۸۶	
عفاف و صیانت نفس	۱	
درک حضور الهی	۱	
درک توجه خدا به انسان	۰/۸۶	
درک علم خدا به اسرار درونی و آنچه در ناهشیار ما مخفی است	۱	
درک عرضه اعمال و رفتار بر پیامبر و امام	۱	
درک ناظر بودن ملائکه نسبت به اعمال ما	۰/۸۶	
حضور فعال در مسجد و مکان‌های مقدس	۱	
تمرین تدریجی هیامداری محسوس و فروتر برای هیامداری نامحسوس و برتر	۱	
مرگ آگاهی (توجه به امکان سر رسیدن اجل و یاد قبر و پوسیدن در آن)	۱	
خودمراقبتی ذهنی و راه‌های ادراکی	۱	
خودمراقبتی تغذیه‌ای و پرهیز از لقمه حرام	۱	
تدبیر و تعقل	۰/۸۶	
شرایط مداخله‌ای (زمینه‌ساز، تسهیل‌کننده‌ها و تشدیدکننده‌ها)	۰/۸۶	پدیده مرکزی هیامداری (ماهیت و چیستی)
تواضع و فروتنی	۰/۸۶	
فرومایگی	۱	
بی‌دینی	۱	
دروغگویی	۱	
از میان رفتن پرده قدر و منزلت	۰/۸۶	
عدم حفظ عزت نفس و درخواست از مردم	۱	
پرحرفی	۱	
استفاده افراطی از ساز و آواز و موسیقی	۱	
شراب‌خواری	۱	
فقر و نداری	۱	
فراوانی کارهای زشت	۱	
ماهیت حیا: توقف در مواجهه با شرک و جهالت	۱	
هیامداری ملاک خیر و شر	۱	
به هنگام تفکر غیرخدایی	۱	
عمل بر خلاف ایمان	۰/۸۶	موارد حلال
از آنچه نزد خدا و مردم زشت است	۱	
	۱	

۱	ذکر خداوند	بسترها و مواضع ضرورت حیا
۱	رفتار حق	
۰/۸۶	انجام کار خیر	
۱	بیان حق	مواضع ضرورت عدم حیا
۱	از بین رفتن خطاها	
۰/۸۶	عفت	
۱	افزایش معرفت و یقین	
۱	محبوب خدا شدن	پیامدهای مثبت حیامداری
۱	پوشیده شدن عیوب از مردم	
۱	اصلاح رفتار	
۱	حفظ از عذاب	
۱	متانت و ارزشمندی	
۱	بهبود روابط و سرمایه اجتماعی	
۱	آرامش	
۰/۸۶	کاهش ایمان و دینداری	
۰/۸۶	مجوز بدگویی دیگران از انسان	
۱	از بین رفتن تقوا و پارسایی	پیامدهای بی حیایی
۱	شر رسانی	
۱	از بین رفتن ارزشمندی وجودی	
۱	تنزل جایگاه انسانی	
۱	از دست رفتن جایگاه اجتماعی	
۱	بطلان اعمال نیک	
۱	کوتاهی در برابر والدین	
۱	قطع روابط خویشاوندی	
۱	خیانت در امانت	
۱	بی عفتی و فحشا	

پس از کدگذاری گزاره‌ها، در نهایت ۹ سازه اصلی، ۶۲ مؤلفه و ۵۹۷ کد شناسایی شد. این سازه‌ها شامل:

۱. شرایط علی (خاستگاه و عوامل سبب‌ساز)،
۲. راهبردهای حیامداری،
۳. شرایط مداخله‌ای (زمینه‌سازها، تسهیل‌کننده‌ها و تشدیدکننده‌ها)،
۴. شرایط مداخله‌ای (موانع و تضعیف‌کننده‌ها)،
۵. بسترها و مواضع ضرورت حیا،
۶. مواضع ضرورت عدم حیا،
۷. پیامدهای مثبت حیامداری،
۸. پیامدهای بی‌حیایی،
۹. پدیده محوری (حیامداری).



مدل نهایی پژوهش براساس نظریه داده‌بنیاد استراوس و کوربین و بر مبنای کدگذاری باز، محوری و انتخابی استخراج گردید. مدل مفهومی حیامداری به گونه‌ای ترسیم شد که پدیده محوری (حیامداری) در مرکز قرار دارد و سایر سازه‌ها به عنوان عوامل تأثیرگذار، زمینه‌ساز یا پیامد با آن در ارتباط اند.

این مدل نشان می‌دهد که حیامداری نه تنها یک فضیلت فردی، بلکه یک نظام رفتاری - اخلاقی با ابعاد گسترده اجتماعی، فرهنگی و تربیتی است که می‌تواند به عنوان یک الگوی بنیادین در تربیت انسان و جامعه اسلامی مورد استفاده قرار گیرد.

4. بحث و نتیجه گیری

نتایج پژوهش حاضر نشان داد که «حیامداری» یک پدیده محوری و چندبعدی است که ریشه در فطرت انسانی و آموزه‌های اسلامی دارد. تحلیل متون قرآنی و روایی بیانگر آن است که حیا نه تنها یک خصلت فردی، بلکه بنیانی برای سامان‌دهی روابط اجتماعی، اخلاقی و فرهنگی انسان است.

حیامداری در این پژوهش به عنوان رفتاری برخاسته از حیا تعریف شد؛ بدین معنا که فرد در موقعیت‌های گوناگون زندگی، به گونه‌ای رفتار می‌کند که اعمال او متصف به صفت اخلاقی حیا باشد. یافته‌ها نشان داد که این مفهوم با سازهایی چون شرایط علی، راهبردها، شرایط مداخله‌ای و مداخله‌ای، بسترها و مواضع ضرورت حیا و عدم حیا، و نیز پیامدهای مثبت حیامداری و پیامدهای بی‌حیایی در ارتباط است.

براساس این مدل، حیا می‌تواند به عنوان یک نیروی بازدارنده و هدایت‌گر، فرد و جامعه را از لغزش‌ها و انحرافات اخلاقی حفظ کند و به سوی کمال انسانی و تقوا سوق دهد. روایات اسلامی نیز بارها بر این حقیقت تأکید کرده‌اند؛ چنان که پیامبر اکرم (ص) می‌فرمایند: «الحیاء خیر کُلّه»؛ «همه حیا، خیر است» (مجلسی، ۱۴۰۳، ۳۹۵/۷۲). همچنین امام علی (ع) می‌فرمایند: «من کَسَاهُ الحیاءُ ثوبَهُ، لَمْ یَرِ النَّاسُ عَیْبَهُ»؛ «کسی که لباس حیا بر تن دارد، مردم عیب او را نمی‌بینند» (آمدی التیمی، ۱۴۱۰، ص ۴۷۴). از منظر تربیتی، توجه به حیامداری می‌تواند زمینه‌ساز تقویت فرهنگ عفاف، پاکدامنی و مسئولیت‌پذیری در جامعه باشد. در دنیای امروز که با هجوم گسترده رسانه‌ها و ترویج بی‌حیایی و بی‌پروایی مواجهیم، بازتعریف حیا در قالب یک مدل مفهومی می‌تواند راهگشا باشد. این مدل به نهادهای فرهنگی، آموزشی و تربیتی کمک می‌کند تا برنامه‌هایی منسجم و هماهنگ برای تقویت حیامداری در سطوح فردی و اجتماعی طراحی کنند.

از نظر اجتماعی نیز، حیامداری با ایجاد فضای اعتماد و احترام متقابل، سرمایه اجتماعی را تقویت کرده و از گسترش ناهنجاری‌ها و آسیب‌های اخلاقی جلوگیری می‌کند. بنابراین، توجه به این فضیلت می‌تواند یکی از راهکارهای اساسی در پیشگیری از بحران‌های فرهنگی و اخلاقی جوامع اسلامی باشد.

در جمع‌بندی می‌توان گفت، حیامداری نه تنها یک فضیلت اخلاقی، بلکه یک راهبرد فرهنگی و تربیتی برای ساختن جامعه‌ای سالم، متعالی و متقی است. بر این اساس، پیشنهاد می‌شود در سیاست‌گذاری‌های فرهنگی و آموزشی کشور، جایگاه ویژه‌ای برای حیا و حیامداری در نظر گرفته شود و پژوهش‌های بیشتری در این زمینه انجام گیرد تا ابعاد پنهان و کمتر شناخته‌شده آن آشکار گردد.

فهرست منابع

- *قرآن کریم، (۱۴۱۵)، مترجم: فولادوند، محمد مهدی. تهران: هیئت علمی دارالقرآن الکریم.
۱. ابن حمید، صالح بن عبد الله. و ابن ملوح، عبدالرحمن بن محمد (۱۴۲۶). موسوعة نضرة النعيم فى مكارم أخلاق الرسول الکریم. جده عربستان: دار الوسيلة. ۱۲ جلد.
 ۲. ابن حیون، نعمان بن محمد مغربی (۱۳۸۵). دعائم الإسلام و ذکر الحلال و الحرام و القضايا و الأحکام. (چاپ دوم). قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام. ۲ جلد.
 ۳. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی (۱۴۰۴هـ.ق). تحف العقول عن آل الرسول صلى الله عليه و آله. (چاپ دوم). قم: جامعه مدرسین.
 ۴. ابن منظور، محمد بن مکرم. و شیرى، علی (۱۴۰۸). لسان العرب. بیروت: دار إحياء التراث العربی. ۱۸ جلد.
 ۵. ابوطالب المکی، محمد بن علی (۱۳۱۰هـ.ق). قوت القلوب فى معاملة المحبوب. قاهره: مکتبه احمد البابى الحلبي.
 ۶. استراوس، آسلم. و کوربین، جولیت (۱۳۸۷). اصول روش تحقیق کیفی: نظریه مبنايی، رویه ها و شیوه ها. (چاپ دوم). ترجمه ییوک محمدی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
 ۷. اسدیان، صدیقه. قطبی، ثریا. و شعیری، محمدرضا (۱۳۹۴). طراحی مقدماتی مدل حیا مبتنی بر برداشت از آیات قران و مقایسه آن با روان شناسی شرم. روانشناسی بالینی و شخصیت، دوره ۱۳، شماره ۱۲، ۱۴۵-۱۵۸.
 ۸. افشار، اباذر. و افشار، رقیه (۱۳۹۱). ترویج فرهنگ حیا. قم: مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما.
 ۹. انجیل متی، (۱۹۹۴). عهد جدید. نیویورک: انجمن نشر کتب مقدسه.
 ۱۰. آقا جمال خوانساری، محمد بن حسین (۱۳۶۶). شرح آقا جمال الدین خوانساری بر غررالحکم و دررالکلم. (چاپ چهارم). تهران: دانشگاه تهران. ۷ جلد.
 ۱۱. الآمدی التمیمی، عبدالواحد (۱۴۱۰). غررالحکم و دررالکلم. (چاپ دوم). قم: دارالکتب الاسلامی.
 ۱۲. پاینده، ابو القاسم (۱۳۸۲). نهج الفصاحة (مجموعه کلمات قصار حضرت رسول صلى الله عليه و آله). (چاپ چهارم). تهران: دنیای دانش.
 ۱۳. پسندیده، عباس (۱۳۸۳). پژوهشی در فرهنگ حیا. قم: دارالحديث.
 ۱۴. جوکار، محبوبه (۱۳۹۲). الگوی تقویت حیا در سبک زندگی اسلامی. معرفت، سال ۲۲، شماره ۱۸۶، ۷۱-۸۵.
 ۱۵. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۱۶). وسائل الشیعة. محقق: محمدرضا حسینی جلالی. قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام لإحياء التراث. ۳۰ جلد.
 ۱۶. حکیمی، محمدرضا. حکیمی، محمد. و حکیمی، علی (۱۳۸۰). الحیة. ترجمه: احمد آرام. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی. ۶ جلد.
 ۱۷. حمیری، عبد الله بن جعفر (۱۴۱۳). قرب الإسناد. قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام.
 ۱۸. خادم پیر، علی (۱۳۹۴). خاستگاه، عوامل و آثار شرم و حیا در نگاه قرآن و حدیث. بصیرت و تربیت اسلامی، دوره ۱۲، شماره ۳۲، ۱۲۷-۱۵۳.
 ۱۹. خلیل بن احمد، (۱۴۰۹). العین. گردآورنده: آل عصفور، محسن. تصحیح و تنظیم: مهدی مخزومی و ابراهیم سامرائی. قم: مؤسسه دارالهجرة. ۹ جلد.
 ۲۰. دورانت، ویلیام جیمز (۱۳۳۷). تاریخ تمدن. ترجمه احمد آرام و دیگران. تهران: اقبال.
 ۲۱. رضانی، زهرا. بشلیده، کیومرث. حمید، نجمه. مرعشی، سیدعلی. و هاشمی، سیداسماعیل. (۱۳۹۸). بررسی تفاوت ها و شباهت های حیا و اضطراب اجتماعی (کمروبی). پژوهشهای نوین روانشناختی، دوره ۱۴، شماره ۵۳، ۱۵۵-۱۸۰.
 ۲۲. شریف رضی (۴۰۶). نهج البلاغه. گردآوری: علی نقی فیض الاسلام. تهران: جاویدان.
 ۲۳. شعیری، محمد بن محمد (بی تا). جامع الأخبار (لشعیری). نجف: مطبعة حیدریه.
 ۲۴. شیخ صدوق (۱۳۷۸هـ.ق). عیون اخبار الرضا. تهران: نشر جهان.
 ۲۵. شیخ صدوق (۱۴۱۳). من لا یحضره الفقیه. (چاپ دوم). قم: دفتر انتشارات اسلامی.

۲۶. ضیاءپور، جلیل (۱۳۴۳). پوشاک باستانی ایرانیان از کهن‌ترین زمان تا پایان شاهنشاهی ساسانیان. تهران: اداره کل موزه‌ها و فرهنگ عامه.
۲۷. طباطبایی، محمدحسین (۱۳۹۰هـ.ق). المیزان فی تفسیر القرآن. بیروت: مؤسسه‌ الأعلمی للمطبوعات. ۲۰ جلد.
۲۸. طبرسی، حسن بن فضل (۱۳۶۵). مکارم الأخلاق. (چاپ دوم). ترجمه: ابراهیم میرباقری. تهران: فراهانی. ۲ جلد.
۲۹. طبرسی، علی بن حسن (۱۳۷۴). مشکاة الأنوار. ترجمه: عزیز الله عطاردی قوچانی. تهران: عطارد.
۳۰. طریحی، فخرالدین (۱۳۷۵). مجمع البحرین. (چاپ سوم). تهران: کتابفروشی مرتضوی.
۳۱. عبدالرسول، عبدالحسن الغفّار (بی‌تا). المرأة المعاصرة. (چاپ سوم). بی‌جا.
۳۲. عمید، حسن (۱۳۵۰). فرهنگ لغت. تهران: انتشارات جاویدان.
۳۳. عیاشی، محمد بن مسعود (۱۳۸۰هـ.ق). تفسیر العیاشی. محقق: هاشم رسولی. تهران: مکتبه‌ العلمیه الاسلامیه. ۲ جلد.
۳۴. فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی (۱۴۱۷). المحجّه البيضاء. تصحیح: علی اکبر غفاری. قم: النشر الإسلامی. ۸ جلد.
۳۵. فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی (۱۴۱۵). تفسیر الصافی. (چاپ دوم). تهران: مکتبه الصدر. ۵ جلد.
۳۶. قشیری، عبدالکریم بن هوازن (۱۳۷۴). رساله قشیریه. ترجمه: حسن بن احمد عثمانی. تصحیح: بدیع‌الزمان فروزانفر. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۳۷. قمی، حاج شیخ عباس (بی‌تا). کلیات مفاتیح الجنان. قم: اسوه.
۳۸. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق (۱۴۰۷). الکافی. (چاپ چهارم). تهران: دارالکتب الإسلامیه. ۸ جلد.
۳۹. لیثی واسطی، علی بن محمد (۱۳۷۶). عیون الحکم و المواعظ (للثی). قم: دارالحديث.
۴۰. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی (۱۴۰۳هـ.ق). بحار الأنوار. (چاپ دوم). بیروت: داراحیاء التراث العربی.
۴۱. مطهری، قیانوس بیگم (۱۳۹۶). بررسی حیا در فضای مجازی از منظر اسلام. مطالعات پژوهشی زنان با رویکرد اسلامی، دوره ۴، شماره ۷، ۱۹-۳۴.
۴۲. مطهری، مرتضی (بی‌تا). مساله حجاب. قم: صدرا.
۴۳. معلوف، لويس (۱۹۹۲). المنجد فی اللغة. (چاپ سی و سوم). بیروت: دارالمشرق.
۴۴. معین‌الاسلام، مریم (۱۳۸۶). پوشش و آرایش از دیدگاه پیامبر اعظم. تهران: نشر مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما.
۴۵. ملاصدرا. (۱۳۸۳). شرح أصول الکافی. محقق: محمد خواجوی. تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی. ۴ جلد.
۴۶. ملکی سهل‌آبادی، کبری (۱۳۹۴). جایگاه فردی و اجتماعی حیا در اسلام و ادیان دیگر. تهران: بیکران دانش.
۴۷. منسوب به جعفر بن محمد علیه السلام، (۱۳۶۰). مصباح الشریعۀ و مفتاح الحقیقه. ترجمه: حسن مصطفوی. تهران: انجمن اسلامی حکمت و فلسفه ایران.
۴۸. منسوب به علی بن موسی علیه السلام، (۱۴۰۶). الفقه المنسوب إلى الإمام الرضا علیه السلام. مشهد: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
۴۹. میبدی، حسین بن معین الدین (۱۴۱۱). دیوان امیرالمؤمنین علیه السلام. قم: دار نداءالاسلام للنشر.
۵۰. نورعلیزاده میانجی، مسعود (۱۴۰۲). روش مدلیابی مفهومی از متون اسلامی: با تأکید بر سازه‌های روان‌شناختی. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
۵۱. نوری، حسین بن محمد تقی (۱۴۰۸). مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل. قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام. ۲۸ جلد.
۵۲. هدایتی، محمدعلی (۱۳۸۲). احیای حیا. قم: کوثر غدیر.